

مادنامہ ایل کلہائی

نویسنده و کرد آورنده

محمد یاور میسون کلہائی

تهران ۱۳۹۳

سر شناسه: یاوری بیگوند کلیایی، محمد، ۱۳۱۵
 عنوان و نام پدیدآورنده: یادنامه ایل کلیایی / نویسنده و گردآورنده محمد یاوری بیگوند کلیایی
 مشخصات نشر: تهران: خودرنگ، ۱۳۹۳
 مشخصات ظاهری: ۴۸۸ص: مصور، عکس، نقشه، نمونه.
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۲۲۱-۱۵-۳
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۴۸۵ - ۴۸۸.
 موضوع: کلیایی
 موضوع: کلیایی - تاریخ
 موضوع: سنقر
 رده بندی کنگره: DSR ۲۱۱۵ / J ۸۷ ی ۱۳۹۳
 رده بندی دیویی: ۹۵۵ / ۴۴۲۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۱۵۳۹۵

یادنامه ایل کلیایی

نویسنده و گردآورنده: محمد یاوری بیگوند کلیایی
 حروفچینی: مهتاب محمدی
 زیر نظر: مجید بلوچ
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳
 ناظر چاپ: فرید اسماعیلی

نشر خودرنگ

تهران، خیابان خواجه نصیرالدین طوسی، کوچه معززی، پلاک ۴، واحد ۵
 تلفن: ۷۳ ۹۰ ۷۷۶۰ (۰۲۱)



کلیه حقوق چاپ و نشر این اثر محفوظ و متعلق به نویسنده است.
 هرگونه استفاده از متون و اسناد این کتاب با اجازه از نویسنده و ذکر منبع امکان پذیر است.
 شابک: 978-964-7221-15-3
 هر گونه اشتباه تایپی به عهده ناشر است.

یا حق
 تقدیم به روح پرفروش سرور ازاد و خواجه سرفراز
 تاریخی که گویا و گویا مردم نیکوخواه منطقه است
 بویژه تقدیم به بزرگوار و فرزانه
 جناب استاد توح خا یا و بزرگوار
 در حجب فقر و از باب خلق ناله و سرافیت عمر جوان
 خانه ای که از وفور عرق با

تقدیم
 مرغ دلش و دم در لال اسما علیا
 به پرواز و آرزویش بر دوام این مستطیل خوش خاست
 در عمرش مستطیل با

ان شاء الله

بنده گدانه نیاکان و حقیر در مقام محاب صاحب فرد

محمد باور سیکو گویا

۱۳۹۱ خورشید

تهران

فهرست مطالب

۱۹-۲۶	مقدمه نگارنده
۲۷	مطلبی از نگارنده از باب نقشه دهات فعلی کلیائی
۲۹	چند مطلب دریاب نام و معنای کلیائی
۳۴	مروری بر گذشته کلیائی
۴۳	مطلبی در باب شهرستان سنقر
۵۵	نوشته سید محمد غیرت کرمانشاهی
۵۷	مطلبی در باب خانواده کربلائی فضل الله بابائی
۶۱	شرح حال تبار دبیری
۶۷	مطلبی قابل توجه از آقای مهندس غلامرضا پناهی راد
۸۳	عکس کوه دالاخانی در قرب سنقر
۸۵	عکس آقای مهندس غلامرضا پناهی راد
۸۶	عکس آقای منوچهر خان سلیمی کلیائی
۸۷	شرح حال آقای منوچهر خان سلیمی بیگوند کلیائی
۸۸	شرح حال آقای دکتر عیسی یآوری کلیائی
۹۰	بخشی از تاریخ و وقایع کلیائی
۹۱	کلیائی در دوران افشاریه، زندیه و قاجاریه
۹۲	علی همت خان کلیائی در حکومت کازرون
۹۳	نقش علی همت خان کلیائی در به سلطنت رسانیدن لطفعلی خان زند
۹۵	قیام علی همت خان کلیائی علیه فتحعلیشاه
۱۰۰	قتل حکمران سنقر به توطئه عبدالله پاشا
۱۰۲	شرح حال نصیر خان کلیائی

- ۱۱۰ فتح بغداد به روایت تاریخ ایلات کرمانشاهان
- ۱۱۱ نامه محمدشاه قاجار خطاب به میرزا تقی خان آشتیانی
- ۱۱۲ دوره دوم جنگ هرات و گندم قندهار در کلیائی ۱۲۵۰ هـ.ق.
- ۱۱۳ اردوی کرمانشاه در فتح هرات ۱۲۷۱ هـ.ق.
- ۱۱۴ اعزام سواره کلیائی به محاصره قلعه هرات ۱۲۵۳ هـ.ق.
- ۱۱۵ دفع فتنه سالار در خراسان
- ۱۱۸ شرح حال علیمرادخان بیگوند کلیائی
- ۱۲۳-۱۲۴ حکم علیمرادخان سرتیپ و ترجمه آن
- ۱۲۵-۱۲۶ حکم سرتیپی فرج‌الله‌خان بیگوند و ترجمه آن
- ۱۲۷ شرح حال فرج‌الله‌خان سرتیپ بیگوند
- ۱۲۹-۱۳۰ حکم سرهنگی امان‌الله‌خان کلیائی و ترجمه آن
- ۱۳۱-۱۳۲ حکم انتساب صحبت‌الله‌خان سرتیپ و ترجمه آن
- ۱۳۳-۱۳۴ فرمان ماموریت صحبت‌الله‌خان سرتیپ به اصفهان و ترجمه آن
- ۱۳۵ شرکت داشتن صحبت‌الله‌خان سرتیپ در جنگ جوانمیر
- ۱۳۹-۱۴۰ نامه حسام‌الملک حکمران کرمانشاه و ترجمه آن
- ۱۴۱ وصیت نامه سرتیپ صحبت‌الله‌خان بیگوند کلیائی
- ۱۴۲ عکس صحبت‌الله‌خان سرتیپ
- ۱۴۳ تلگراف سیف‌الله میرزا
- ۱۴۴ تهدید قنصل روس
- ۱۴۵ کلیائی و فتنه بابیه
- ۱۴۶ پیام آیات عظام محمد کاظم خراسانی و عبدالله بهبهانی مازندرانی

- ۱۴۸ کلپائی در مشروطه دوم
- ۱۵۵ جنگ شاه گدار
- ۱۵۶ وجه تسمیه قریه شاه گدار کلپائی
- ۱۵۸ عین متن نامه مرحوم حسین الغروی السنقری
- ۱۶۴ عکس چهارنسل علی اصغر خان مسعود السلطنه
- ۱۶۵ نمونه خط و نوشته آقای شیخ حسین غروی
- ۱۶۷ عکس آقاخان بیگوند کلپائی
- ۱۶۸ شرح حال علی اصغر خان مسعود السلطنه
- ۱۷۱ متن سوگندنامه سردار شهید علی اصغر خان مسعود السلطنه
- ۱۷۲ عین سوگندنامه
- ۱۷۳ نمای بیرونی برج ده کل سفید
- ۱۷۴ جنگ شوربلاغ
- ۱۷۸ جنگ سطر و جنگ ماهیدشت
- ۱۸۰ فرار نافر جام علی اصغر خان مسعود السلطنه از قلم محمد علی سلطانی
- ۱۸۵ عکس نصرت الله خان پیشداد خانه خراب
- ۱۸۶ شرح حال مرحوم آقاخان
- ۱۸۸ عکس مرحوم آقاخان بیگلربیگی ایل کلپائی
- ۱۸۹ سند خطی آقاخان بیگلربیگی
- ۱۹۰ نکاتی در باب قریه گلوپیج کلپائی
- ۱۹۲ نمای قلعه ده گلوپیج کلپائی
- ۱۹۳ نمای قریه شوربلاغ

- ۱۹۳ عکس پل قدیم میان راهان دینور
- ۱۹۴ عکس مرحوم عبدالصمدخان یاوری
- ۱۹۵ عکس مرحوم مرتضی قلی خان
- ۱۹۶ عکس آقایان یاوری در قریه گلویج
- ۱۹۷ عکس آقایان هزبری
- ۱۹۸ عکس عبدالصمدخان و دوستان
- ۱۹۹ عکس علی خان یاوری بیگوند کلیائی
- ۲۰۰ سه بازی روزگار
- ۲۰۲ تلگراف شماره ۹۲ در باب علی اصغر خان مسعودالسلطنه از کنگاور
- ۲۰۳ شرح حال تورج خان یاوری
- ۲۰۴ عکس آقای تورج خان یاوری
- ۲۰۵ - ۲۰۶ - ۲۰۷ - ۲۰۸ مصاحبه های آقای تورج خان یاوری
- ۲۰۹ مروری بر دستاوردهای علمی یک دانشمند ایرانی
- ۲۱۰ شرح حال آقای آرش خان یاوری بیگوند کلیائی
- ۲۱۱ شرح حال آقای نادر خان یاوری بیگوند کلیائی
- ۲۱۲ عکس قلعه ده کل سفید
- ۲۱۳ سند گرو گذاردن قریه شوربلاغ
- ۲۱۴ سند واگذاری قریه شوربلاغ به جای قرض
- ۲۱۵ سند صداقت علی اصغر خان مسعودالسلطنه
- ۲۱۶ سندفروش و اجاره مجدد قریه شوربلاغ
- ۲۲۰ نامه محتشم الدوله در باب علی اصغر خان مسعودالسلطنه

- ۲۲۱ مطلبی در باب خاندان جلیلود
- ۲۲۳ سند قریه شور بلاغ
- ۲۲۴ شرح حال امان الله خان فرهنگ
- ۲۲۷ عکس امان الله خان فرهنگ
- ۲۲۸ شرح حال پرویز خان فرهنگ
- ۲۲۹ سخنی در باب آقای هرمزان فرهنگ بیگوند
- ۲۳۲ عنایت امان الله خان فرهنگ نسبت به عبدالصمدخان یاوری
- ۲۳۳ عکس نادعلیخان امیرامجدی با لباس کردی
- ۲۳۴ مطلبی در باب شیرزادخان شیرزادی
- ۲۳۶ عکس شیرزادخان شیرزادی
- ۲۳۷ عکس رضاقلی خان مافی با خوانین کلهر کرمانشاه
- ۲۳۸ تلگراف امان الله خان فرهنگ کلیائی
- ۲۳۹ رعایت نکردن حرمت دوستی
- ۲۴۰ غارت ده گلوپیچ
- ۲۴۱ نامه علیخان یاوری
- ۲۴۲ نامه حکمران کرمانشاه به حکومت سنقر کلیائی
- ۲۴۳ شرح حال نجف علی خان حیدری منصورالدوله
- ۲۴۶ عکس مرحوم نجف علی خان حیدری
- ۲۴۷ عکس عبدالحمیدخان اقبال لشگر
- ۲۴۸ شکایت امیرالامرا اقبال لشگر
- ۲۴۹ مطلبی در باب مرحوم سلطان مرادخان بیگوند کلیائی

- ۲۵۱ واقعه ده گرجی بیان
- ۲۵۲ پیروزی قوای روس و انگلیس و بازگشت امیرامجد
- ۲۵۳-۲۵۴ نامه وزارت داخله به حکمران کرمانشاه در باب مراجعت امیرامجد و ترجمه آن
- ۲۶۲-۲۶۳ نامه حکومت کرمانشاه به وزارت داخله
- ۲۶۵ نامه یازده نفر از خوانین کلیائی به روزنامه صوراسرافیل در کرمانشاه
- ۲۶۷ جنگ ده سطر
- ۲۷۰ نامه فرمانفرما به پسرش عباس میرزا
- ۲۷۲ نامه عباس میرزا سالار لشکر
- ۲۷۳ عکس مرحوم نادعلی خان امیر امجدی
- ۲۷۴ عکس قلعه ده سیرکوه
- ۲۷۵ مختصری از شرح حال نادعلی خان امیری (امیرامجدی)
- ۲۷۶ مصالحه نامه مابین میرزا ابوالقاسم خان بهیهمانی با حسن پاشاخان امیرتومان
- ۲۷۷-۲۷۸ حکم حکمرانی حسن پاشاخان قبادی و ترجمه آن
- ۲۷۹ مطلبی در باب حسن پاشاخان
- ۲۸۱-۲۸۲ متن نامه حسن پاشاخان قبادی و ترجمه آن
- ۲۸۳ نامه ایالت جلیله کرمانشاه به حکمران سنقر
- ۲۸۴ مختصر مطالبی مجدد در مورد حسن پاشاخان قبادی
- ۲۸۶ عکس حسن پاشاخان قبادی امیرتومان
- ۲۸۷ عکس علی پاشاخان بیگوند
- ۲۸۸ عکس حسین قلی خان امیرامجد و امان الله خان فرهنگ
- ۲۸۹ عکس نادعلی خان امیرامجدی

- ۲۹۰ عکس عزت الله خان امیری
- ۲۹۱ روایتی از احمد میرزا یمینی دولتشاهی در باب کریم خان قبادی
- ۲۹۲ شرح حال مرحوم امامقلی خان امیری
- ۲۹۴ عکس امامقلی خان امیری سردار اشرف
- ۲۹۴ عکس دسته جمعی عزت الله خان امیری با امیر امجدی و قبادی ها
- ۲۹۵-۲۹۶ قسمتی از نامه امامقلی خان امیری به امیرامجد و ترجمه آن
- ۲۹۷ عکس مرحوم امامقلی خان امیری و پسران
- ۲۹۸ عکس محمدصفی خان قبادی و جوادخان سلیمی
- ۲۹۹ شکایت فتحعلی خان بر علیه امامقلی خان
- ۳۰۰ بیانات آقای خسروخان امیری بیگوند
- ۳۰۱ عکس هوشنگ خان امجدی
- ۳۰۲-۳۰۳ نامه اداره معارف خطاب به حسین قلی خان امیرامجد و ترجمه آن
- ۳۰۴ اخطار حکمران کرمانشاه به سردار امجد
- ۳۰۵ نامه وزارت جنگ در باب سواره کلیائی
- ۳۰۶ عکس مرحوم محمد رحیم خان حیدری با برادران
- ۳۰۷ شرح احوال مختصری از خاندان حیدری بیگوند کلیائی
- ۳۰۸ اظهارنظری از نگارنده
- ۳۰۹ تاسف نگارنده
- ۳۱۰-۳۱۱ نامه کنسول انگلیس به حسین قلی خان امیرامجد ۱۳۲۷ ه.ق. و ترجمه آن
- ۳۱۸ شرح حال امان الله خان سرتیپ ساری اصلان
- ۳۲۰-۳۲۱ حکم سرتیپ امان الله خان ساری اصلان و ترجمه آن

- ۳۲۲ جنگ نوبران
- ۳۲۵ سواد کاغذ محتشم الممالک امین مالیه ساوه
- ۳۲۸ نبرد اهالی و عشایر با اردوی روس در سنقر
- ۳۲۸ جنگ آجین
- ۳۳۱ ورود اولین وزیر مختار انگلیس به کرمانشاه
- ۳۳۱ ورود اولین قنصل روس به کرمانشاه
- ۳۳۲ سیاست در کلیائی
- ۳۳۴ نامه عبدالحسین میرزا فرمانفرما
- ۳۳۵ ایالت جلیله کرمانشاه
- ۳۳۶ نامه خطاب به حسن پاشاخان
- ۳۳۷ متن نامه عبدالحسین فرمانفرما به امیرامجد
- ۳۳۸-۳۳۹ حکم حکومتی حسین قلی خان امیرامجد و ترجمه آن
- ۳۴۰ نامه علیخان ظهیرالدوله حکمران کرمانشاه به حسن پاشاخان امیر تومان
- ۳۴۱ نامه فرمانفرما حکمران کرمانشاه در باب حسن پاشاخان
- ۳۴۲ نامه حکمران کرمانشاه در باب دهات موئینه و حرین
- ۳۴۳ ورود اولین قنصل انگلیس به کرمانشاه
- ۳۴۶ عکس پل علی اکبرخان امجدی بر روی رودخانه گاورد
- ۳۴۷-۳۴۸ عقدنامه شکرالله خان بیگوند و ترجمه آن
- ۳۴۹ سند معامله چراغعلی خان
- ۳۵۰ وقایع داخلی کلیائی
- ۳۵۲ چگونگی کشته شدن درویش خان

- ۳۵۵ یکی دیگر از اتفاقات درون ایلی
- ۳۵۶ اشاراتی لازم به وقایع داخلی کلیائی از دکتر سلطانی
- ۳۶۰ شرح حال مرحوم محمدحسین خان سلیمی
- ۳۶۱ عکس محمدحسین خان سلیمی بیگوند
- ۳۶۲ عکس مرحوم سنجرخان سلیمی
- ۳۶۳ عکس آقایان سلیمی
- ۳۶۴ عکس مرحوم عین الله خان سلطانی و فضل الله خان
- ۳۶۵ قتل علیقلی خان سلیمی
- ۳۶۷ عکس علیقلی خان سلیمی و حشمت الله خان
- ۳۶۸ حدیث شیخ عباس
- ۳۷۰ سند مصالحه امامقلی خان با حسین علی خان
- ۳۷۱ سند اختلاف حسن پاشاخان قبادی با سیدعباس
- ۳۷۲ عقدنامه علیقلی خان سلیمی
- ۳۷۳ سند معامله ده پیر سلمان
- ۳۷۴ سند فروش یک دانگ و نیم ملک قریه حرین
- ۳۷۶ سندی در باب ده حرین
- ۳۷۷-۳۷۸ سند فروش قریه موئینه و ترجمه آن
- ۳۷۹-۳۸۰ عقدنامه شاهزاده خانم و محمدمرادخان و ترجمه آن
- ۳۸۱ سند تقسیم قریه گلوچ
- ۳۸۳ سند معامله ده کل سفید با شاه گدار
- ۳۸۴-۳۸۵ سند فروش قریه گلوچ و مقدمه آن

- ۳۸۶ سند مصالحه نامه قریه موئینه
- ۳۸۷-۳۸۸ سند مصالحه نامه املاک بی بی خانم و فاطمه خانم و ترجمه آن
- ۳۸۹-۳۹۰ سند مصالحه نامه محمدرحیم خان به خانباباخان یاور و ترجمه آن
- ۳۹۱-۳۹۳ سند املاک محمدرادخان بیگوند کلیائی و ترجمه آن
- ۳۹۴ سند معاوضه قریه لنجاب
- ۳۹۵-۳۹۶ سند مصالحه نصیرخان و امان الله خان سرهنگ و ترجمه آن
- ۳۹۷ سند مصالحه ۵ دانگ از قریه موئینه
- ۳۹۸ صورت مخارج مرحوم فضل علی خان سلیمی
- ۳۹۹ سند تراضی فی مابین ۶ پسر خانباباخان یاور
- ۴۰۰ سند مصالحه دو شعیر از قریه پیر سلمان
- ۴۰۱ سند مصالحه دو دانگ از قریه گلوچ
- ۴۰۲ سند مصالحه دو دانگ از قریه حرین
- ۴۰۳-۴۰۴ سند معامله اسماعیل سلطان با کاظم خان
- ۴۰۵ اعتراف نامه اسماعیل خان
- ۴۰۶ اجاره نامه قریه غیب الله
- ۴۰۷ مصالحه نامه سه دانگ از قریه جامیشان
- ۴۰۸ تقسیم و تراضی بین محمدخان و محمودخان
- ۴۰۹ مصالحه خیاریه حسین علی بیگ با تاج ماه خانم
- ۴۱۰ مصالحه نامه بی بی خانم
- ۴۱۱ سند وام دادن ۳۵ تومان از طرف فضل علیخان
- ۴۱۲ سند مصالحه حسین علیخان سلیمی

- ۴۱۳ استشهد هما سلطان خانم
- ۴۱۴ مصالحه نامه شیخ علیخان خلف رضاقلی
- ۴۱۵ مصالحه نامه نیم دانگ از قریه حرین
- ۴۱۶ عقدنامه علی خان یاوری با قمر سلطان خانم
- ۴۱۷ شرح اختلاف امام قلی خان امیری و امام قلی خان سلیمی
- ۴۱۸ واگذاری ۴ زوج ملک ده آئینله
- ۴۱۹ عقدنامه مرحوم نصرالله خان قبادی با طوطی خانم
- ۴۲۰ تقسیم نامه قریه موئینه
- ۴۲۱ اجاره نامه ده عبدالمحمد
- ۴۲۲ عقدنامه عین علی خان
- ۴۲۳ مصالحه نامه ۶ جفت از جوب شور شاه گذار
- ۴۲۴ نامه وزارت داخله راجع به شکایت تاج ماه خانم
- ۴۲۵ شکایت تاج ماه خانم از آقای امان الله فرهنگ
- ۴۲۶ استشهد محمدحسین خان سلیمی در باب حسن خان سلیمی ۳۱۰ شمسی
- ۴۲۷ ورقه بازجویی از حبیب الله افکاری
- ۴۲۸ عقدنامه نریمان ولد رمضان کندوله ای
- ۴۲۹ استعلام شرعی
- ۴۳۰ عقدنامه صحبت الله بیگ
- ۴۳۱ محصولات کلیائی و صنعت قالی بافی آن
- ۴۳۲ رسومات عشایری در ایل کلیائی
- ۴۳۷ چند اصطلاح کردی

- ۴۳۸-۴۴۰ رسم و شیوه شکار در کلیائی و نام کوهها
- ۴۴۱-۴۴۴ گردنه‌ها، چشمه‌ها، امامزاده‌ها، رودخانه‌های کلیائی
- ۴۴۵-۴۵۴ شجره‌نامه ایل کلیائی
- ۴۵۵-۴۵۶ فهرست اسامی خواتین کلیائی و همسرانشان
- ۴۵۷-۴۵۹ نام روستاهای کلیائی و مالکین آنها
- ۴۶۰-۴۶۱ محل دفن خوانین کلیائی
- ۴۶۲-۴۶۵ مطالبی از نگارنده
- ۴۶۶-۴۸۰ اشعار
- ۴۸۱ نمونه لباس خانمهای کلیائی
- ۴۸۲ نقشه ترسیمی نگارنده از منطقه کلیائی
- ۴۸۳ نقشه کوههای منطقه کلیائی ترسیمی از نگارنده
- ۴۸۴ سجده نگارنده بر مزار مرحوم علی‌اصغر خان مسعودالسلطنه
- ۴۸۵ منابع و مأخذ

مقدمه نگارنده

محبوبی را ستایش که طایر قیاس بر مطلع جمالش نبرد و سیاح خرد به گنه کمالش پی نبرد.

آغاز سخن نمودم، با سپاس وزین و کلام نغزکم‌قرین از جد امجدم مرحوم آقاخان بیگلربیگی (ایل کلیایی) که به سال ۱۳۱۴ هجری قمری بر مطلع نامه‌ای مرقوم فرموده‌اند، یادنامه کلیایی را که امید به خداوند برای سرانجام کار دارم. راقم حقیر محمد یآوری بیگوند کلیایی پسر ارشد مرحوم عبدالصمدخان یآوری و نوه سردار آزادیخواه، شهید علی‌اصغرخان (مسعودالسلطنه) و از مادرم خانم نصرت‌الملوک خانه‌خراب کرمانشاهی صبیۀ مرحوم نصرت‌الله‌خان پیشداد خانه‌خراب کرمانشاهی ملقب به (نصرت‌الممالک) از سلسله‌های قدیم ایران‌زمین که نیای این قوم «میرزا شعیب» طبیب مخصوص شاه اسماعیل صفوی بوده و این تبار در اواخر قاجاریه جزء سردمداران اصلی نهضت مشروطه بوده و در فتنۀ ابوالفتح میرزا قاجار (سالارالدوله) که آسوه استبداد در کرمانشاهان بود قد راست کرده که جدای از دادن شهید، خانه و کاشانه این جماعت آزادیخواه بفرمان سالارالدوله به آتش گلوله جانسوز توپ ویران که فامیل ایشان نشأت از آنزمان دارد.

پدر و مادرم هر دو در سن ۴۹ سالگی به سال ۱۳۴۳ خورشیدی در سانحه تصادف اتومبیل در جاده بیستون دل از دنیا کردند و دختری مفلوج و پنج پسر پریشان در این دنیای بی‌بقا و وفا رها گشتیم. من در آن سال تازه از دانشکده پلیس با درجه ستوان دومی و مدرک لیسانس و تخصص پلیس جنائی در تهران مشغول خدمت بودم که لزوماً برای سرپرستی دیگر برادران نوجوان و کم‌سن به کرمانشاه منتقل و

به عنوان رئیس دائرة مبارزه با مواد مخدر استان مشغول به خدمت شدم که از سر حکایت آن دوران چهار ساله میگذرم که ضمن آن ایام دو برادرم که در کرمانشاه بودند و برادر دیگر که در زمان پدر برای ادامه تحصیل به آلمان رفته بود به سرانجام ازدواج و زندگی رسیدند و دوران دربدری شانزده سال خدمت من هم در چهار گوشه ایران شروع. تهران. بوشهر، تهران که در تهران به سال ۱۳۴۹ به ناگاه شیوه خدمتی من تغییر یافت و همزمان با قضیه تصرف به حق جزایر سه گانه خلیج فارس به وسیله فرمانده نیروی دریائی ایران عطائی، من از سازمان پلیس جدا و به عنوان رئیس پلیس گمرکات جنوب، خرمشهر، اهواز، ماهشهر، آبادان، راهی جنوب شدم که در جمع تا سال ۱۳۵۷ در جنوب ایران باقیماندم و پس از آن به لحاظ مشکلات در سن ۴۱ سالگی تقاضای بازنشستگی کردم که با تقدیر و پنج سال ارفاق خدمتی بازنشسته که کوتاه زمانی بعد به عنوان محقق جذب مرکز آموزش و پژوهش صنایع ملی ایران شدم که بیست و هفت سال در آن مرکز تا مسئولیت رئیس دانشکده صنایع ایران مفتخر به خدمت بودم که خدمت در دانشکده برایم گوئی همان بهشت موعود بود، اما چون آن مرکز مقدس آموزشی به وسیله مقامات رده بالاتر رو به فساد و رشوت نهاد دیگر جای ماندن خانه بدوشی چون من نبود لاجرم با سرودن سه خط شعر زیر استعفا کردم و روی میز آن حضرات حرام‌خوار نهادم و به منزل استیجاری خود بازگشتم و سر آسوده بر بالش راحت نهادم.

چونکه خواهم عزت و حرمت بجایینم بسی	تا خدا باشد نگیرم دامن را از کسی
سالها درس تحمل با شدائد خوانده‌ام	بارها آتش به جان من زدند همچو خسی
لاجرم دامن ز دست این و آن باید کشید	این گدائی بهتر از شاهی به نزد ناکسی

این حقیر از دوران جوانی علاقه به تاریخ بخصوص تاریخ و سرگذشت ایل کلیائی برایم جاذبه خاص داشت. لذا ابتدا به فکر تحقیق و شناخت و تنظیم شجره ایل به زمان خدمت در کرمانشاه افتادم و از هر صاحب نظری نام و مطلبی می‌آموختم که اولین قلم را خانزاده محترم سنجرخان سلیمی فرزند مرحوم یدالله‌خان بیگوند کلیائی به دستم داد و محفوظات ذهن قوی خود را برایم دیکته و به همت والا غلط گرفت و اصلاح نمود تا الفبای انشاء را در حد بضاعت آموختم و هنوز صفحه‌ای انشاء نکرده بودم که دستم از دامن استاد برید و آواره دیار به دیار شدم و من بودم و یک خشت خام که در دل داشتم بر آن خشت بنائی شانزده کوشک بسازم اما چون استاد خشت اول را خوب پی کرده بود به حوصله و صرف قریب بیست سال خشت بر خشت نهادم که استوار ماند و بالاخره تا شانزده نسل به نظم و نظام آمد که در سال ۱۳۷۲ خورشیدی در کتاب تاریخ ایلات و طوایف کرمانشاهان تألیف استاد محمدعلی سلطانی به چاپ آمد که موجب خوشنودی شد که شجره سرفراز ایل جلیل بیگوند به نام اثری ماندگار بر جای ماند که در دسترس نسلهای آینده قرار گیرد که این موهبت جزء افتخارات این راقم بی‌بضاعت است.

پس از پایان آن امر بر آن شدم که به اعتبار محفوظات، به دل نهیب زخم برخیز که قلم در دست و مرکب روان و ره هموار، بیا تا طرح دیگر اندازیم، که توصیفات سطر به سطر و کلمات صف به صف در نظر، لیک از عمر بی‌خبر، گر نکنیم قصه ایشان به خط شاید نبود لحظه دیگر اثر، و شاید مرغ دل پرواز کند تا که نشیند به بام دگر و آنگاه شرمنده شویم در محشر و بدین وهم و خیال نیم نظری به شمع نیم سوخته عمر کرده بشتاب دست به تحریر پر شکسته یادنامه ایل کلیائی زدم و به تعجیل نوشتم نکند چراغ عمر به طوفان بلاخاموش و شعله شوق به خاکستر زمان تبدیل که در این غوغا حبیبی ظریف که حدیث من شنیده بود با همت والا به من نوشت «گویند آرش، جان در تیر کرد و شما جان در قلم».

بنا علیهذا از اعظام صاحب کمال و لبیبان کم بدیل تمناست که نقص یادداشتهای مغشوش و مشوش را که حاصل شتاب و کم بضاعتی قلم است غمض عین و محو نظر فرمایند و امید آنکه ارباب صاحب تحقیق و قلم این انشاء پر نقص را بی نقص بگردانند که میراثی ماندگار به یادگار بماند انشاءالله.

لزوماً قصد خود را از نوشتن این یادنامه در چند اشاره عرضه میدارم که بی ضرر است و شاید هم روشنگر فکر بعضی کج نظران.

یکم: اینکه این یادنامه را برای آگاهی نوپایان و ناآمده‌های ایل نوشتم که در آن ایام که از ما کس نیست تا حدیث گذشته بگوید چراغی باشد که آن نسلها هویت خود را در ظلمت بی خبری گم نکنند و یا خدای ناخواسته به شیوه افراد بی اصل یا اصل گم کرده این ایام که کم هم نیستند ندانسته بر کتاب بزرگان خویش خش نیاندازند.

دوم: سعی نمودم بدین خدمت اوراق و اسناد پراکنده را گرد آورده تا به صاحبان اصلی که در پی اصلند و تحقیق و همت و عرق بازگردانم شاید به کار آید.

سوم: قصد از نامگذاری این مجموعه به نام یادنامه این بود، که هر کس از اهل کلیائی بهر نحو یادی در یادها دارد یادش بماند و سردار سالاری نباشد و نیز اظهار افسوس بر افرادی که به دلائل معلوم در هیچ مورد چه در گذشته و حال بالطفی برای پر بار شدن این یادنامه با خط یا سندی که مطمئن بودم در اختیار دارند یاریم ننمودند و حتی یک دو نفر هم که شخصاً به آنها مراجعه کردم نه کمک نکردند بلکه سعی در دلسردی و انصراف من کردند و لحظه‌ای از سر عقده به عمق کار فکر نکردند که البته من با عقیده راسخ نوشتم واقعیت ها را که باید نوشت، اگر چه خوشایند طبع کج نظران هویت گم کرده نباشد، امید آنکه کسی از من از این صراحت گله نفرماید.

البته در مقابل بودند انگشت شمار بزرگانی که مشتاقانه و از سر همت و عرق زلال بر من منت نهادند چون جناب آقای منوچهرخان سلیمی فرزند با اخلاق و سلامت مرحوم محمدحسین خان یا گرامی وجود محترم جناب پرویزخان فرهنگ که گاه گره گشا بودند. همچنین درود میفرستم به روح زنده یاد هوشنگ خان قبادی پسر محترم مرحوم نصرالله خان و سپاس فراوان دارم از دختران محترمه و با عرق و تعصب مرحوم علیمرادخان حیدری بیگوند خانمها آفاق و رزیتا همچنین خانم فرشته یاوری و خانم فریده یاوری. سپاس دارم از جناب استاد دکترسلطانی چنانچه در بعضی قسمتها از نوشته ایشان بهره بردم و بار دیگر به روح مرحوم سنجرخان سلیمی درود میفرستم که کلام اول را یادم داد.

و نکته پایانی، اینکه خود میدانم که مطالب یادنامه قدری پراکنده و شاید قسمتی از یک مطلب تکرار آمده است، عرض و عذر بنده این است که گاهاً حکایت یک رخ داد قبلاً آمده، لیکن سال با سالهای بعد اتفاق مشابهی به وسیله آن عامل یا عاملان در ادامه واقعه قبل رخ داده است که الزاماً برای معطوف نمودن نظر خواننده محترم مجبور به اشاره یا تکرار به حکایت پیشین بودم.

دیگر اینکه اگر اوراق یادنامه مرتب و سلسله وار نیست، دلیل آنستکه مطلب و روایت چون حکایت منظم یک رشته اقدامات پیوسته یک سلطان یا سلسله نیست بلکه بعضاً اوراق منحصر و مستقل است که تنها کاری که مقدور بود اوراق را با تاریخ زمان نظم نسبی دهم، تا شاید ذهن خواننده محترم کمتر مشوش باشد؛ لیک خود به غایت مسرورم از اینکه میدانم عزیزان صاحب خرد خودآگاهند که هیچ کاری بی نقص نیست، که این کار هم مستثنی از آن قاعده نمی باشد.

محمد یاوری بیگوند کلیائی ۱۳۹۱ تهران

«نجوانی با کلیایی»

ای که افتاده چو «بوقا» نامداری بر درت
 خاک قلعه خون شد و ، نگشود قرائی را درت
 آن جلیل نامدار، بر بیگوندان افسرت
 ویسمرید^۵ را قصه‌گوی، تیری که بردش از برت
 کو بفرمان قجر کشتند و، رفت تاج از سرت
 آن شجاعتها که در تاریخ، باشد صد کرت
 آنکه فخر آورد به «دولت شه»^۶، فزون بر کشورت
 و آن سپه‌داران اردو، جملگی نام‌آورت
 او به جنگ اصفهان، تاجی نهادست بر سرت
 خوش درخشید تا نهاد، حماسه‌ها در دفترت
 آن شهید نوجوان، از جمله مردان برترت
 آن دلیر پرتوان، اهل سواد و جوهرت
 کی بُدی در ناتوانی اکبری یا اصغرت
 با سپاه خصم و آن، حماسه‌های لشکرت
 گریه کن اینک به حال آنزمان خوشترت
 من ندانم خود بگو، از غصه‌های دیگر
 نی پدر آید ز صحرا، نی صدای مادرت
 حمله کردند، پاره کردند، صد فزون از بربرت
 خود نبودست بی‌گمان، روزی فلاکت باورت
 خاک بی‌یاور شد و، دیگر نباشد رهبرت

خاک کلیائی چه شد، آنروزگار و اخترت
 یاد کن از جنگ گاورد و حاجی^۲ با قرا^۱
 یاد آر از بیگه^۳، آن سرسلسله مرد کبیر
 گو چه شد آن قلعه‌ها، آن نامداران بزرگ
 از علی همت^۴ بگو، آن‌خان و سردار رشید
 بازگو از جنگ افغان و فتوحات هرات
 بار دیگر گو ز سرتیپ^۷ و ز پاشای عراق
 یک به یک برگو ز هشت، اولاد او
 صحبت‌الله^۸ را مدان، سرتیپ یا خانی بزرگ
 آن امیر^۹ پر جلال، در جنگ جوانمیر باید
 از علی‌اصغر^{۱۱} بگو، آن‌خان آزادی طلب
 از امان‌الله^{۱۲} بگو، آن فاتح جنگهای روس
 خاک کلیائی همه مردان تو، نام‌آور و لشگر شکن
 خاک کلیائی بگو از کوس و جنگ بی‌امان
 هان بگو آخر چه شد، آن سفره‌خان کریم
 خاک من اینک بگو، از گریه‌های بی‌کسی
 خاک من دانم فتادی، چون یتیمان بی‌پناه
 سفله‌مردان^{۱۳} پاره کردند، سینۀ نام‌آورت
 یاد تاریخ را نباشد، حمله‌ای را این چنین
 خون ببار ای «یاوری» بر حال کلیایی بنال

«محمد یاوری بیگوند کلیائی تهران ۱۳۶۰ خورشیدی»